

"واقعاً برای خودم متأسفم که شغل انبیا نصیب شد!؟"

شمس الدین امانتی

نظام سرمایه داری و مشقات ناشی از این سیستم گنبدیده، آنقدر درناک و رنج آور است که انسانهای شریف و آزادیخواه را تا سرحد نفی خود سوق میدهد. زانو صفتان این نظام، در همه جا حضور فعال دارند. حتی، بچه های معصومی که با والدین خود زندگی میکنند، این مشقات را از نگاه، چهره، حرف زدن و ... والدین خود درک میکنند. به نظر من، توصیف و تشریح فقر - احتیاجی به فرمول بندی خاصی ندارد. آن که خود، طعم فقر را چشیده و یا می چشد، برخوردش به این پدیده عینی تر است.

در خواست یک "معلم حق التدریس"، مطلبی را که میخواهم برای شما بنویسم واقعیت است و از شما خواهشمندم به اطلاع سایرین برسانید.

۴۰۰ هزار معلم "حق التدریس"، در ۵ ماه گذشته حقوق نگرفته‌اند. با اینکه، حدود ۱۰ روز پیش، وزیر آموزش و پرورش اعلام نمود که حقوق "ما" پرداخت شده تا به امروز ۸۷/۱۱/۳، ریالی دریافت نکرده ایم و وقتی به "مسئولین" اداره مراجعه میکنیم، در پاسخ میگویند، وزیر خیلی چیزها میگوید، ولی در عمل چنین چیزی نیست. در اوائل مهر ماه، با بنده آنهم با شش سال سابقه خدمت، از اداره تماس گرفتند و گفتند برای شما ۳۶ ساعت تدریس در سه روستا، در نظر گرفتیم، ابلاغتان را بگیرد و به محل های تعیین شده بروید. یادآوری میکنم تعیین محل خدمت ما پس از سازماندهی معلمان رسمی است و باید بناچار بپذیریم.

بنده به عنوان سرپرست خانوار به همراه همسر، پسر و مادرم زندگی می کنیم و تنها در آمدمان همین حقوق است و اینها همه در حالی است که ما معلمان "حق التدریس" در فصل تابستان و روزهای

تعطیل، حقوق دریافت نمی کنیم، بنابراین، مجبوریم تابستان را با قرض گرفتن از این و آن به پایان برسانیم، به امید اینکه از مهر ماه بخشی از بدهی هایمان را بدهیم، ولی متأسفانه تا کنون حقوق ما را نداده‌اند!

من در تابستان، نگهبانی یکی از مجتمع های مسکونی را بر عهده داشتم و ماهانه ۱۵۰ هزار تومان دریافت میکردم، ولی از مهر ماه بجز درس دادن در هفته، سه روز شیفت شب میروم و ماهانه ۸۰ هزار تومان میدهند، اما با این در آمد میسازم و میسوزم.

من در منطقه نیمه محروم شهر، منزلی را با دو میلیون پول پیش و ۱۵۰ هزار توان اجاره کردم و هم اکنون چهار ماه است که اجاره نداده ام و صاحب خانه از پول پیش کم میکند و می گوید نباید پول پیش، کمتر از یک میلیون شود و کرایه را باستی ۲۰۰ هزار تومان بکنید.

اما موضوع عنوان شغل؛ هفته پیش، پسرم مریض شد و مجبور شدم او را به پزشک متخصص ببرم. پول ویزیت ۶ هزار تومان شد. چون ما بیمه نیستیم، سعی میکنیم به دکتر نرویم و با گیاهان درمانی خودمان را درمان کنیم. من برای خرید دارو، تنها سه هزار تومان پول داشتم؛ بنا بر این، هنگامی که دکتر دارو خانه، پول داروها را هشت هزار تومان گفت (به علت قرسهای سفکسیم که گران هستند) به او گفتم، اگر مشابه این دارو را دارید، آن را بدهید. دکتر گفت: اگر بچه شما تب و عفونت شدید دارد، باید این قرسها را بخورد و او دریافت که من بخاطر پولش میگویم و به من گفت: اشکالی ندارد دارو ها را ببر و مصرف کنید. هر وقت پول داشتی، می آوری. من از او خیلی تشکر کردم و او از من پرسید: شغلت چیست؟ من بطور ناگهانی و با صدای بلند گفتم: معلم "حق التدریس" و سرم را پیش پسرم پایین انداختم و آرزو کردم ای کاش زمین دهن باز میکرد و من را در خود فرو می برد.

من هم به عنوان یک "معلم حق التدریس"، حرفهای این همکارم را با توجه به وضعیت خودم تأیید میکنم. خدا شاهد است نه پیش زن و بچه، نه پیش دانش آموز، نه پیش مردم آبرویی برامون نمونده، واقعاً برای خودم متأسفم که شغل انبیا نصیب شد.

من هم مثل شما، این ناعدالتی را درک میکنم. اما در گوشه های دیگری، از این دنیای پهناور نیز نظام سرمایه داری این نابرابری را بدون استفاده از زور، اسلحه، شلاق زدن و زندانی کردن با درجه ای به مراتب کمتر اعمال میکند. همانطور که خود مطلع هستید در دنیا دو طبقه آشتی نا پذیر وجود دارد. کارگر و سرمایه دار و تا زمانی که نابرابری وجود داشته باشد، همیشه و در همه جا این دو طبقه در تعارض هستند. استعمار امام و انبیا، بوش و اواما و ... را نمی شناسد، این سیستم نابرابر و نا عادلانه، جهانی است. مقاومت و راه حلی مشترک و جهانی را میلید.

در رابطه با اظهارات معلم شریف و همکار عزیز شما بایستی عرض کنم که با هیچکدام از کلمات و جملات توصیفی در مورد خودش موافق نیستم، اولاً تفصیر و تعبیر من از معلمین شریف و زحمتکش ایرانی نه امامت است و نه انبیا، ثانیاً شغل شما خدمت به محصلین معصومی است که در روز یک وعده غذا ی سیر نخواهند خورد. نه خود انبیا مثل شما نان آور بی پول خانواده بودند و نه بچه هایشان درد گرسنگی چشیدند. تحلیل در مورد انبیا را به وقتی دیگر موکول کنیم، آنها فعلاً مشغول فتوادادن، سیغه کردن و مصادره دختران ۷ ساله جهت حرم سراهایشان هستند. دوست عزیز، شما انسان دلسوز و شرافتمندی هستید که بدون دریافت حقوق مدت هاست به بچه های دور افتاده ترین روستاهای ایران درس میدید، چرا فکر میکنید شرمنده هستید؟ شرمنده و مجرمین زالو صفتان جامعه انبیا زده ایران، ماموران وزارت اطلاعات رژیم جمهوری اسلامی "عدل علی" متشکل در باندهای مافیایی هستند که بچه های من و شما را به اعتیاد، فساد و فحشا میکشانند.

شما نه تنها از نظر خانواده های شاگردانتان بلکه از نظر اکثریت مردم ستمدیده و آزادیخواه ایران جایگاه خاصی دارید.

بی اعتبار و مجرم کسانی هستند که شب خواب امام زمان را می بینند و صبح روز بعد، حکم قتل عام بیشتر از ۵ هزار زندانی سیاسی را صادر و اجرا میکنند. مجرم و شرمسار کسی است که برای فتح کربلا در جریان دفاع "مقدس" ۵۶ هزار نفر از محصلین شما و سایر معلمان شرافتمند و آزادیخواه را از روی مین و در میادین جنگ به کشتن دادند.

طی گزارشی، "کانون صنفی معلمان ایران"، اعلام کرد که، قاضی متین راسخ بازپرس "دادسرای ویژه امنیت" به معلمان باز داشت شده گفته که "خواستهای معلمین را حق و اعتراض به دولت را ناحق میدانند. این مقام قضایی، در عین حال به نمایندگان معلمان هشدار داده که تاکنون در پرونده های دیگر دستکم حکم اعدام ۱۰۰ نفر را صادر کرده". دوست عزیز، این شخص نماینده ویژه خامنه ای است که در بیدادگاه رژیم سرمایه داری ایران حکم اعدام فرزاد کمانگر و امثال او را به بهانه دفاع از حقوق بشر صادر کرده، ضمن احترام به اعتقاداتتان، از قرار معلوم شمشیر دو لبه ذوالفقار در رابطه با قلع و قمع معلمین آزادیخواه فعلاً در دست این خونخوار است. حال متوجه هستید چه کسی یارای نگاه کردن توی چشمان زن و بچه هایش را ندارد؟ شما یا این قاتل؟ کارنامه انبیا و نماینده گانشان سیاه و نابخشودنی است دیر یا زود به سزای اعمالشان خواهند رسید.

بجای یأس و نا امیدی در بطن همین مبارزه قانونی و علنی به فکر تشکلی مستقل و خارج از هر گونه وابستگی سیاسی و تشکیلاتی به دولت و اداره آموزش و پرورش در همبستگی با کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، دانش آموزان و سایر اقشار تحت ستم این رژیم باشیم.

شما تنها نیستید

به امید پیروزی

جمعه ۷ فروردین ۸۸